

قصّه‌ها و حکایت‌های خواندنی

در ادب فارسی

تألیف:

دکتر سید احمد حسینی کازرونی

استاد زبان و ادبیات فارسی



کتابخانه و اسناد ملی ایران

۱۳۹۴

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور : حسینی کازرونی، احمد، ۱۳۳۰-
 مشخصات نشر : قصه‌ها و حکایت‌های خواندنی در ادب فارسی / تألیف احمد حسینی کازرونی.
 تهران: ارمغان، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۷۴-۴۱-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 پادداشت : کتبلیم: ۲۵۵-۲۵۳
 موضوع : ادبیات فارسی — مجموعه‌ها
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ق ۶/ص ۴۰۰۳ PIR
 رده‌بندی دیوینی : ۸۴۰/۸
 شماره کتبشناسی ملی : ۱۷۶۷۸۹۸



آرماغان پابلش

www.armaghan-pub.com

قصه‌ها و حکایت‌های خواندنی در ادب فارسی

تألیف: دکتر سید احمد حسینی کازرونی

ناشر: انتشارات ارمغان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: نشاط

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۷۴-۴۱-۶ **** ISBN: 978-964-8974-41-6

دفتر مرکزی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخرآزی - کوچه مهر - شماره یک

تلفن: ۶۶۹۶۹۵۷۹ همراه: ۰۹۳۵-۴۰۶۶۶۶۶

فروشگاه: تهران - خیابان ۱۲ فروردین - چهار راه وحید نظری - شماره ۲۷۲

تلفن: ۶۶۴۹۲۷۵۴ تلفن: ۶۶۴۸۰۲۱۶ همراه: ۰۹۳۵-۲۵۳۲۳۲۳

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۷	پیش‌گفتار
۱۹	جوّی
۲۷	أَبُونُؤاس
۳۱	ازوپ
۵۹	تَلَخْک (طَلَخْک)
۶۵	سنایی
۸۹	سوزنی سمرقندی
۹۳	نظامی گنجوی
۹۷	عطار نیشابوری
۱۴۱	مولوی
۱۴۷	سعدی
۱۶۱	عبید زاکانی
۱۸۱	حافظ شیرازی
۱۸۷	مولانا فخرالدین علی کاشفی
۱۹۷	مُلَانَصْر الدّین
۲۱۷	قائنی شیرازی
۲۲۳	کریم شیرهای
۲۲۷	نسیم شمال
۲۳۷	ایرج میرزا
۲۳۹	دهخدا
۲۴۵	ابوالقاسم حالت
۲۵۳	سید غلام‌رضا روحانی
۲۵۹	خسرو شاهانی
۲۶۵	محمد فرداد
۲۷۷	قصه‌ها و حکایت‌های پراکنده
۲۹۹	کتاب‌نامه
۳۰۳	آثار مؤلف

پیش گفتار

پیشینه‌ی داستان پردازی و قصه‌گویی در ایران، به پیش از اسلام می‌رسد و همان نقشی که ادبیات نمایشی در یونان باستان داشته، نقالی و داستان پردازی در ایران ایفا می‌کرده است. سلاطین و درباریان مشرق زمین به ویژه ایران و هند، همچون عوام به قصه‌پردازی و شنیدن آن، علاقه‌ای وافر داشتند. تا آن‌جا که دفترنویسان، قصه‌های ساخته و پرداخته‌ی مردم را در دفاتری می‌نوشتند و برای خواص می‌خواندند و با دریافت انعام و جایزه، امرارمعاش می‌کردند. آئین داستان‌گزاری و دفترنویسی که روش قصه‌پردازی و نقل داستان‌های شفاهی بود، کم‌کم شکل و شمیلی به خود گرفت و تا عصر قاجار از رونق خاصی برخوردار بود.

برخی از این نقال‌باشی‌ها، نسبت به ذوق و استعدادی که از خود بروز می‌دادند، مشمول عنایت قرار می‌گرفتند و به القابی، همچون نقیب‌الممالک (نقال‌باشی ناصرالدین‌شاه که شب‌ها به نقل داستان امیر ارسلان رومی برای شاه قاجار می‌پرداخت) مفتخر می‌شدند.

این قصه‌گویی‌ها در برهه‌ای از زمان‌ها و در میان درباریان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، چنان‌که فخرالدوله (دختر ناصرالدین شاه قاجار) در اتاق انزرونی، قصه‌های نقیب‌الممالک — داستان‌پرداز پدر خود، یعنی ناصرالدین‌شاه — را از پشت پرده یادداشت و برای زنان حرم بازگو می‌کرد.

به هر حال، کار قصه‌گویی و داستان‌پردازی تا آن‌جا پیش رفت که بسیاری از شاعران و نویسندگان طراز اول ایران در دوره‌های گوناگون ادبی، بدین کار روی آوردند و قصه‌ها و داستان‌ها و حکایت‌های کهن و نو را به سلک نظم یا نثر درآوردند و با اضافاتی این درخت گشن را بارورتر ساختند.

از دوران پیش از اسلام هم، داستان‌های منظوری باقی‌مانده بود که بعدها این داستان‌ها با دخل و تصرفات راویان و قصه‌پردازان، صیغه‌ جدید به خود گرفت و در طرزهای گوناگون به نظم و نثر درآمد. اما از ذکر این نکته نباید غافل شد که هرچند گزاره‌نویسان داستان‌های کهن، هر یک به شیوه و رسم خود به نقل و ارائه‌ی حکایت و داستان پرداخته‌اند، ولی طبق سلیقه‌ شعری ایرانیان، شاعرانی که این قصه‌ها را در وزن و آهنگی خاص به شعر موزون کشانده‌اند، از طراوتی دوچندان برخوردار کرده است، زیرا حکایت شعر به گفته‌ فخرالدین اسعدگرگانی در منظومه‌ ویس و رامین خود مؤید این گفتار است:

فسانه گرچه باشد نغز و شیرین به وزن و قیافه گردد نو آئین

قطعات مثنوی و منظوم تعلیمی در ادب فارسی، گاهی در هیأت حکایت حیوانات، همچون گفتار سعدی و مولوی و زمانی در شکل حکایت‌های ساده و یا به صورت تکبیتی، رباعی، قصیده، مثنوی، قطعه و غزل نمایان می‌شود.

حکایت‌ها و قصه‌های غنایی در آثار مثنوی فارسی، اندک نیست. مانند بعضی از حکایت‌های گلستان، به ویژه آن‌هایی که در باب پنجم در خصوص عشق و جوانی آمده است. یا برخی از قصه‌های صوفیانه که در اسرارالتوحید شیخ ابوسعید و تذکره‌الاولیای شیخ عطار ذکر شده، چنان که مضامین و مفاهیم «حکایت‌هایی که بیش‌تر جنبه تعلیمی دارند و اخلاق و سیاست و تدبیر منزل و حکمت می‌آموزند از آثار ارجمند ادبیات فارسی هستند...» (رک: ادبیات و نقد ادبی، ج اول، ص ۸۵).

جمله این حکایت‌ها یا از زبان حیوانات است (مانند حکایت‌های مندرج در کتاب کلیله و دمنه بهرام‌شاهی، مرزبان‌نامه سعدالدین و راوینی و انوار سهیلی) یا طنزآمیزند، مانند برخی از حکایات طنزآمیز سعدی و عبید زاکانی و یا غیر از این دو، مثل بسیاری از حکایت‌های گلستان سعدی، نگارستان معین‌الدین جوینی و بهارستان جامی.

حکایت‌های مفصل و مشروح، بیش‌تر حائز ارزش‌های تاریخی و واقع‌نگری‌اند، مانند «قسم دوم» جوامع‌الحکایات عوفی که دربردارنده اخلاق و عادات پسندیده است و قسم سوم که مشتمل بر خلیقات ناپسند است که جنبه تعلیمی دارند.

حکایت‌های فارسی را از جهت تبیین جنبه‌ها و ابعاد، می‌توان بر سه گونه تقسیم کرد: «اول: حکایت‌های واقعی که معمولاً جنبه تاریخی دارند، دوم: حکایت‌های ساختگی (حکایت‌های حیوانات از این قبیل‌اند)، سوم: حکایات نیمه تاریخی و نیمه واقعی (مانند حکایات مربوط به کشف و کرامات عرفا و بعضی از حکایات چهار مقاله نظامی عروضی)». (رک: همان، ص ۸۶ با دخل و تصرف). برخی از کتب حاوی حکایت‌های نیز همچون کلیله و دمنه، منشأ خارجی و ترجمه دارند. حکایت‌ها و داستان‌ها، یکی از قالب‌های مهم ادبی به شمار می‌رود، بدان گونه که: داستان‌ها و حکایت‌های منظوم نیز از مهم‌ترین قالب‌های شعری محسوب می‌شوند، مثل داستان‌ها و حکایت‌های شاه‌نامه فردوسی، بوستان سعدی، خسرو شیرین نظامی که البته ساختار این گونه آثار با آثار همتای خود در اروپا تفاوت دارد.

با این تفصیل، معلوم می‌شود که داستان‌پردازی در ایران زمینه‌ای قابل ملاحظه و گسترده‌ای داشته است. دستان‌گزاران، در شهرها و ولایات با معرکه‌گیری، مردم را به دور خود جمع کرده و با پرده‌داری و شعرخوانی به بیان قصه‌ها و داستان‌ها می‌پرداختند.

«معروف است که یکی از قصاصان (قصه‌پردازان) عرب، موسوم به نصرین حارث-پسر خاله پیغمبر اکرم (ص)- داستان رستم و اسفندیار را در ایران عصر ساسانی فرا گرفته و مقارن ظهور اسلام، در کوچه و بازارهای مکه برای مردم روایت می‌کرد. مثلاً «آزاد سرو» سیستمی که در مرو اقامت داشت و «ماخ» پیر خراسان که در مقدمه شاه نامه ابومنصوری از آنان نام برده شده است.» (رک: انواع ادبی، صص ۱۹۴-۱۹۳). در ادب فارسی، معمولاً حکایت‌های طنزآمیز منثور، بیش از نوع خود در شعر است، همان‌گونه که اشعار هزل و هجوآمیز، بیش از گفته‌های منثور است.

«آثار طنزآمیز منثور فارسی، بر دو دسته‌اند: یکی آثار مستقل، مانند نوشته‌های عبیدزاکانی (اخلاق‌الاشراف، ده فصل، دل‌گشا، صدپند، تعریفات و ریش‌نامه) و آثار منسوب به ملا نصرالدین و همچنین رستم‌التواریخ از رستم‌الحکما (از آثار قرن سیزدهم)، دیگر آثاری که دارای بیانی طنزآمیزند مانند: راحة الصدور راوندی و تاریخ و صاف... یا قسمتی از کلیات سعدی که موسوم است به هزلیات که بر است از شوخی‌ها، طنزها، طعنه‌ها و تعریض‌های تند از اوضاع زمانه و مردم آن و یا گلستان سعدی و پریشان قائلانی که بعضی از حکایات آن طنزآلود است. (ادبیات و نقد ادبی، ص ۸۶).

روایت‌های شفاهی باستانی ایران که در دوره اسلامی، با دخل و تصرفاتی به نگارش درآمد، موجب پیدایش طبقه‌ای به نام دفترنویسان و داستان‌گزاران گردید. مناقب‌نویسان هم‌همپای این گروه، در سده ششم بر این گروه افزوده شدند. این طبقه اجتماعی، ضمن گشت و گذار در شهرها و روستاها به ذکر مناقب خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌پرداختند.

«مُناقبیان، با داستان‌های خود، در جریان‌های سیاسی قرن هشتم که در آن شیعیان عراق در مقابل سلجوقیان، حالت اپوزیسیون داشتند، فعال بودند و مردم را بر ضد حکومت سنیان تجهیز می‌کردند، در مقابل سنیان هم دسته‌ی فضاییان را تشکیل داده بودند و چون درباره‌ی رجال اهل سنت، داستان‌هایی بر سر زبان‌ها نبود، از داستان‌های حماسی و پهلوانی ایران باستان، استفاده می‌کردند. (همان ص ۱۹۴) در خصوص ذکر و نقل داستان، باید گفت که در حکایت‌های موفق، باید مابین مطالب داستان و نتایج حاصله، ارتباط تنگاتنگ و منطقی برقرار باشد. سعدی در ذکر حکایت‌ها و قصه‌های کوتاه، خواه منثور (در گلستان) و خواه منظوم (در بوستان) در ادب فارسی از استادان مسلم این فن به شمار می‌رود، در حالی که نظامی داستان‌پرداز در مخزن‌الاسرار، هیچ‌گاه به مقام و درجه‌ی او نمی‌رسد، زیرا «حکایت، باید موجز باشد و شاخ و برگ اضافی نداشته باشد تا از طرفی، نتیجه به راحتی استنباط شود و از طرف دیگر، ربط داستان یا موضوع مورد بحث معلوم گردد...» (انواع ادبی، ص ۲۰۱).

ذکر حکایتی از سعدی دربارهٔ سرنوشت و تقدیر:

شب‌ی کردی از درد پهلوی نخفت	طبیعی در آن ناحیت بود و گفت
از این دست که او آب رز می‌خورد	عجب دارم از شب به پایان برد
که در سینه پیکان تیر تترار	به از نقل ماکول ناسازگار
گر افتد به یک لقمه در روده پیچ	همه عمر نادان برآید به هیچ
قبضا را طیب اندر آن شب بمرد	چهل سال از این رفت و زنده است کرد

بوستان سعدی، دکترخانی، ص ۲۸۹

تمثیل و حکایت‌های تمثیلی «قیایی است که بر بالای سنایی، عطار، مولوی و سعدی راست می‌آید... مسلماً آن همه حکایت‌ها که به مناسبت هر موضوعی در سراسر منطق الطیر و اسرارنامهٔ عطار، حدیقهٔ سنایی، مثنوی مولوی و بوستان سعدی آمده، حاصل عمر و تجارب دیر ساله و سیر و سفر و نشست و برخاست با مردم گوناگون است و استماع سخن پیران و ادب‌آموختگان و جان‌سوختگان...» (رک: انواع ادبی، ص ۲۰۲ با جرح و تعدیل).

آن گونه که مشهود است، غالب عنوان حکایت‌های عطارنیشابوری در دیوانش به صورت «الحکایة و التمثیل» ذکر شده و در تلقی داستان‌ها، جنبه‌های ظاهری و معنوی حکایت، هر دو مورد نظر شاعر است که در عین تبیین حکایت، بار عرفانی حکایت‌های تمثیلی، کاملاً مورد عنایت شاعر است.

ذکر یک حکایت تمثیلی (تحت عنوان: الحکایة و التمثیل) از فریدالدین عطارنیشابوری، دربارهٔ ارتباط انسان با خدا از طریق آئینهٔ دل (باطن):

پادشاهی بود بس صاحب جمال	در جهان خُشن بی مثل و مثال
ملک عسالم مصحف اسرار او	در نکویی آیت‌بی دیندار او
می‌ندانم هیچ کس آن زهره یافت	که او تواند از جمالش بهره یافت
روی عسالم پر شد از غوغای او	خلق را از حد بشد سودای او
گاه شب‌بیزی برون راندی به کوی	برقی گلگون فرو هشتی به روی
هر که کردی سوی آن برقع نگاه	سر بریدنیش از تن بی‌گناه
ور کسی اندیشه کرده زان وصال	عقل و جان برباد دادی زان مُحال
روز بودی کز غم عشقش هزار	می‌بمردند اینت عشق و اینت کار
گر کسی دیدی جمالش آشکار	جان بدادی و بمردی زار زار
مردن از عشق رخ آن دل‌نواز	بهتر از صد زندگانی دراز

نه کسی را صبر بودی زو دمی نه کسی را تاب او بودی دمی
 گر کسی را تاب بودی یک زمان شاه روی خویش بنمودی عیان
 لیک چون کس تاب دید او نداشت لذتی جز در شنید او نداشت
 آینه فرمود حالی پادشاه که اندر آینه توان کردن نگاه
 روی را از آینه می‌تافتی هر کس از رویش نشانی یافتی

قصه‌ها، حکایت‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها و حدیث‌ها، بازنگری‌های احساسات درونی و برونی مردمی است که در ابعاد جغرافیایی خاص منطقه‌ای با شرایط حاکم بر آن در درازنای تاریخ و در ابعاد گوناگون به ادامه حیات پرداخته‌اند. فرایند این مضامین، بیان‌گر مفاهیم مصور حیات ملت‌ها در فراز و نشیب زمان‌هاست، حکایت‌گر آزادی‌ها و اسارت‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها، کامروایی‌ها و ناکامی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها و بالاخره خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها در طول روزگار است.

عادت‌ها و آئین‌ها، آداب و رسوم، عصبیت‌ها و آزادگرایی‌ها، الحان و بیان‌ها، جملگی زیر ساخت و زمینه‌ساز جنبه‌های مختلف قصه‌ها و حکایت‌هاست و این قصه‌ها نمایان‌گر عشق‌ها، محبت‌ها، دردمندی‌ها، دربه‌داری‌ها، خون‌ریزی‌ها، پایداری‌ها، وفاداری‌ها، زبونی‌ها و پهلوانی‌ها، دادگری‌ها و بی‌دادها، گریه‌ها و شام‌غریبان‌ها، حدیث‌ها و داستان‌سرایی‌هاست:

نماز شام غریبان چو گریه آغازم به گریه‌های غریبانه قصه‌پردازم

حافظ شیرازی

قصه‌ی درد تو بر اهل جنون می‌ریزم عشق می‌گویم و خون بر سر خون می‌ریزم

مآشانی تکلوه (به نقل از آندراج)

معاشران گره از زلف یار باز کنید شبی خوش است این قصه‌اش دراز کنید

حافظ شیرازی

زاهدا با من بیما قصه پیمان که من از پی پیمانه صد عهد و پیمان بشکنم

سلمان ساوجی (آندراج)

قصه، قصه‌گویی و قصه‌خوانی در عصر صفوی، یکی از مشاغل بوده است که به واسطه‌ی آن به کسب درآمد می‌پرداخته‌اند.

این لغت در معنای حکایت گفتن و داستان‌سرایی نیز آمده است.

حکایت:

باز گفتن از چیزی، نقل سخن کردن، باز گفتن سخن کسی، قول کسی را گفتن، گزارش،

گفتار، سخن و حدیث (به نقل از لغت‌نامه).